ZENDEGI-SALAM
روزنامه خراسان رضوی
زندگی سلام
دوشنبه • اول دی ۱۴۰۴
اول رجب ۱۴۴۷
۲۲ دسامبر ۲۰۲۵
شماره ۲۱۹۴۶
۳۱۶۵

دیوانی برای زندگی نه استوری

هر سال شب یلدا که می‌شود تازه می‌فهمیم چقدر از ادبیات کلاسیک به‌خصوص دیوان حافظ دور بوده‌ایم طوری که در روخوانی‌اش ضعف داریم چه‌رسد به درک و درونی کردن آن اما چطور می‌شود دوباره حکمت موجود در ادبیات را به متن زندگی بیاوریم؟

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

شب یلدا است. میوه و آجیل روی میز است، شمعی هم روشن، گوشی‌ها در دست، و دیوان حافظ بین جمع می‌چرخد تا هر کسی برای استوری وژست کمی حافظ بخواند. اما نوبت به هر کسی که می‌رسد، مکث می‌کند لکنتش شروع می‌شود و طوری به دیوان حافظ نگاه می‌کند که انگار اشعاری با زبان بیگانه مقابلش قرار گرفته. این موقعیت برای بیشتر ما آشناست. دیوان حافظ هست، اما انگیزه فهم و درونی کردنش نه. حضور دارد، اما مفاهیم غایب است. دیوان حافظ به محفل یلدای ما آمده تا رسم یک شب را کامل کند، نه بیشتر. چون خودمان در روخوانی‌اش مشکل داریم چه رسد به درکش. اشعاری که روزگاری زبان مشترک زندگی، اخلاق، عشق، ترس و امید بوده، حالا به شیئی آیینی تقلیل پیدا کرده؛ چیزی میان دکور، نوستالژی و محتوا برای استوری. پرسش درست همین‌جاست: چرا ما که در ظاهر از نسل‌های قبل باسوادتریم، از متنی که قرن‌ها انسان ایرانی را فهمیده‌تر، صبورتر و عمیق‌تر کرده، این‌قدر فاصله گرفته‌ایم؟

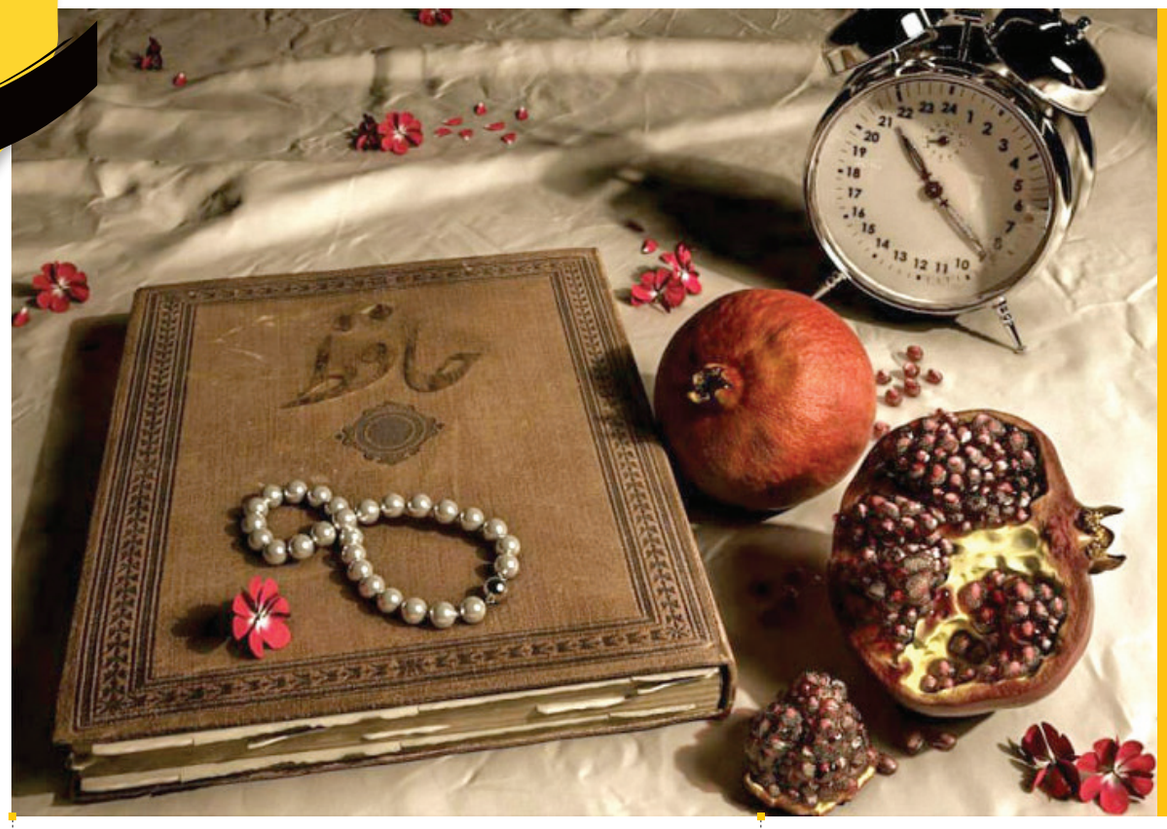

اندیشه‌هایی که شعر شدند

برای فهم فاصله امروز ما با ادبیات کلاسیک، باید یک سوءتفاهم مهم را کنار بزنیم: حافظ، سعدی، مولانا و فردوسی فقط «شاعر» نبودند. آن‌ها، در معنای دقیق کلمه، حکیم بودند؛ یعنی کسانی که درباره زندگی، انسان، قدرت، عشق، رنج، ترس و اخلاق اندیشیده بودند و حاصل این اندیشه زیسته را در قالب شعر و حکایت به نسل‌های بعد منتقل کردند. با این اوصاف ادبیات کلاسیک فارسی در اصل یک نظام انتقال تجربه است، نه صرفاً مجموعه‌ای از متون زیبا. نسل‌های قبل شاید تحصیلات دانشگاهی نداشتند، اما با این متون زیست مشترک داشتند. ابیاتی از حافظ یا شاهنامه را حفظ بودند، حکایات سعدی را شنیده بودند و مفاهیم پیچیده انسانی را به زبان ضرب‌المثل، قصه و شعر، در موقعیت درست به کار می‌بردند. ادبیات در زندگی‌شان جریان داشت، نه روی طاقچه. ما اما مسیر دیگری رفته‌ایم. ادبیات کلاسیک را به «نماد فرهنگی» تبدیل کرده‌ایم: چیزی برای مناسبت‌ها، عکس‌ها، نقل‌قول‌ها و نمایش تعلق هویتی. از طرفی قدیمی بودن زبان در این آثار الزاماً به معنای کهنگی معنا نیست. بسیاری از پرسش‌هایی که حافظ درباره ریا، عشق و امید طرح می‌کند، از بسیاری از متن‌های انگیزشی امروز زنده‌تر و دقیق‌تر است. وقتی ادبیات از زندگی روزمره بیرون می‌رود، به‌ژست تبدیل می‌شود. و ژست، هر چقدر هم زیبا باشد، حکمت تولید نمی‌کند.

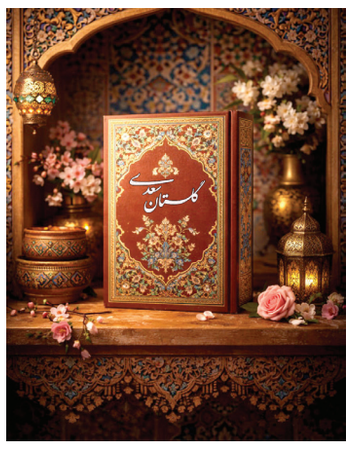

مکث در عصر حواس‌پرتی

زندگی امروز بیش از هر زمان دیگری تکه‌تکه شده است. ذهن ما مدام بین نوتیفیکیشن‌ها، ریلزهای چندثانیه‌ای و خبرهای کوتاه در رفت‌وآمد است؛ تجربه‌هایی که سریع تمام می‌شوند اما با ترشح مداوم دوپامین، میل به تکرار بی‌وقفه ایجاد می‌کنند. نتیجه این الگوی مصرف رسانه‌ای، کاهش تحمل ذهن برای مکث، سکوت و خواندن عمیق است. ما کمتر حوصله متن طولانی داریم، چه برسد به عمیق شدن در محتوایی چندلایه. در این شرایط ادبیات کلاسیک دقیقاً خلاف جهت آب حرکت می‌کند. خواندن حافظ، سعدی یا شاهنامه تمرین آهستگی است؛ تمرین ایستادن، بازگشت و دوباره‌خوانی. این متون ما را وادار می‌کنند لحظه‌ای از شتاب بیرون بیاییم و به معنا فکر کنیم. ادبیات کلاسیک نوعی از دوپامین‌زدایی در ذهن ما دارد تا دیگر به محرک‌های ساده و سطحی واکنش جذاب و خوشایند نداشته باشیم و با عبور از لایه‌های مختلف معنا به رضایت درونی برسیم. درست به همین دلیل است که مواجهه با آثار قدیمی در ابتدا دشوار به نظر می‌رسد، اما در ادامه اثر آرام‌بخش و تنظیم‌کننده دارد. از سوی دیگر، مفاهیم محوری ادبیات کلاسیک ما محدود به زمان و جغرافیا نیستند. پرسش درباره قدرت، عدالت، ریا، عشق، وفاداری و مرگ، مسئله انسان در همه زمان‌ها است. شاهنامه از هویت و مسئولیت می‌گوید، سعدی از مناسبات انسانی، و حافظ از معنا و تناقض‌های زیستن. آن‌ها جهان‌شمول‌اند، چون از انسان و صفات بشری می‌گویند. و شاید درست به همین دلیل است که در عصر حواس‌پرتی، بیش از همیشه به آن‌ها نیاز داریم.

اشعاری موثرتر از موعظه و نصیحت

یکی از دلایل اصلی فاصله گرفتن ما از ادبیات کلاسیک، تقلیل آن به «فرم» است؛ وزن، قافیه، صنایع ادبی و زبان قدیمی. انگار ادبیات فقط مهارتی زبانی است، نه دانشی انسانی. حال آن که در سنت ادبی ما، فرم ظرف بوده و محتوا اصل. شاعران بزرگ فارسی، پیش از آن که شاعر باشند، ناظر دقیق رفتار انسان بوده‌اند و به همین دلیل است که آثارشان هنوز کار می‌کند. ادبیات کلاسیک، به‌ویژه شعر، چیزی را منتقل می‌کند که موعظه از عهده‌اش برنمی‌آید: درک موقعیت. سعدی وقتی از حسد، مدارا یا خشم می‌گوید، دستور نمی‌دهد؛ موقعیت می‌سازد. حافظ انسان را در لحظه انتخاب، تردید و تناقض نشان می‌دهد. این زبان غیرمستقیم، به‌جای تحمیل معنا، امکان درونی‌سازی فراهم می‌کند. در ادبیات ما مفاهیم را حس می‌کنیم، نه حفظ. اما در جهان امروز که سرعت، بهره‌وری و نمایش حرف اول را می‌زنند، این نوع مواجهه عمیق کمتر شده است. ادبیات پر از حکمت دیروز، دقیقاً روی همان نقاطی دست می‌گذارد که امروز بیش از همیشه مسئله‌ساز شده‌اند: شتاب‌زدگی، خودنمایی، تنهایی و گم کردن معنا. به همین دلیل است که فاصله گرفتن از ادبیات کلاسیک، فقط فاصله گرفتن از گذشته نیست؛ نوعی محروم کردن خود از ابزار فهم بهتر زندگی است.

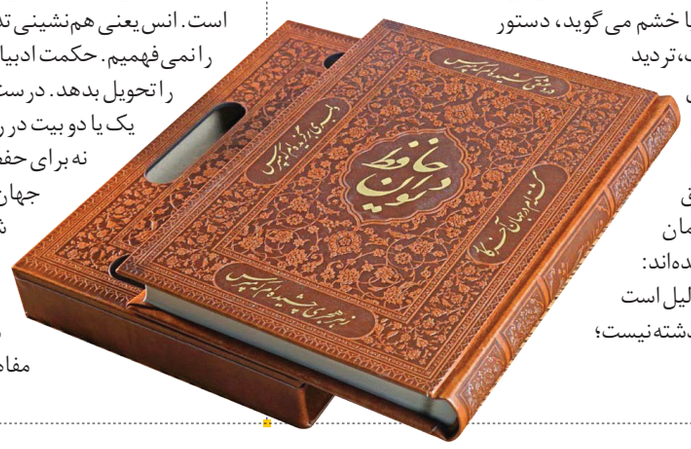

حافظ را باید زندگی کرد

بزرگ‌ترین خطای ما در نسبت با ادبیات کلاسیک، این جنس از مصرف مناسبتی آن است. حافظ را سالی یک بار، آن هم در قالب فال، به زندگی‌مان راه می‌دهیم؛ نه برای فهمیدن، بلکه برای تزیین کردن یک لحظه احساسی یا تکمیل یک آیین. این نوع مواجهه، ادبیات را به تزیین تبدیل می‌کند؛ چیزی شبیه نقل قولی زیبا که دیده می‌شود، اما در رفتار و تصمیم ما رسوب نمی‌کند. در حالی که نسبت درست با این متون، نه مصرف آیینی، بلکه انس است. انس یعنی هم‌نشینی تدریجی با متن، یعنی بازگشت مداوم، حتی وقتی همه چیز را نمی‌فهمیم. حکمت ادبیات کلاسیک قرار نیست فوری، شفاف و یک‌خطی خودش را تحویل بدهد. درست مثل رابطه انسانی، فهم عمیق در تکرار شکل می‌گیرد. یک یا دو بیت در روز، یک حکایت کوتاه، چند خط از شاهنامه؛ اما پیوسته. نه برای حفظ کردن، نه برای نقل قول‌سازی و تظاهر، بلکه برای دیدن جهان از زاویه ذهن‌هایی بزرگ. آن‌وقت اگر انس داشته باشیم شب‌های یلدا هم می‌توانیم حافظ‌خوانی داشته باشیم برای تمنا مکث و معنای بیشتر. خلاصه ادبیات کلاسیک را باید وارد ریتم زندگی کرد، نه تقویم مناسبت‌ها. وقتی متن، مهمان روزمره ذهن ما شود، آرام‌آرام زبانش آشنا می‌شود و مفاهیمش به حافظه رفتاری ما راه پیدا می‌کند.

شاهنامه؛ دروازه ورود کودک و نوجوان به ادب کلاسیک

اگر قرار باشد نسل جدید را بدون اجبار و شعار به ادبیات کلاسیک نزدیک کنیم، شاهنامه بهترین نقطه شروع است. دلیلش ساده است: شاهنامه پیش از آن که متن باشد، داستان است. روایت دارد، ضرب‌آهنگ دارد، قهرمان و ضدقهرمان دارد و پیوسته «کنش» در آن جریان دارد. کودک و نوجوان، طبیعی با داستان ارتباط می‌گیرد، نه با مفاهیم انتزاعی. رستم، سهراب، سیاوش و آرش شخصیت‌هایی هستند که می‌شود آن‌ها را تصور کرد، دوست داشت، از آن‌ها خشمگین شد یا با سرنوشت‌شان همذات‌پنداری کرد. شاهنامه زبان کنش است، نه موعظه. اخلاق در آن بیان نمی‌شود، دیده می‌شود. شجاعت، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و حتی اشتباه کردن، در قالب تصمیم و پیامد روایت می‌شود. همین ویژگی باعث می‌شود کودک، بدون آن که در حال «یادگیری درس» باشد، در حال شکل‌دادن نظام ارزشی خود باشد. شاهنامه به جای این که به کودک بگوید «چه باید بود»، نشان می‌دهد «چه می‌شود اگر چنین باشیم». خطای رایج ما، تبدیل شاهنامه به متنی سنگین و امتحانی است؛ چیزی که باید حفظ شود، نه فهم. در حالی که شاهنامه باید شنیده شود، بازگویی شود، تصویری شود و حتی بازی شود. شاهنامه اگر درست روایت شود، نه فقط ادبیات می‌آموزد، بلکه هویت می‌سازد. و کودکی که با داستان‌های شاهنامه بزرگ می‌شود، طبیعی‌تر و بدون مقاومت، راهش را به سوی حافظ و سعدی هم پیدا می‌کند.

راهکارهای عملی انس با ادبیات کلاسیک

اگر بپذیریم مشکل ما ناآشنایی ذاتی با ادبیات کلاسیک نیست، بلکه قطع ارتباط روزمره با آن است، راهکارها هم لزوماً پیچیده نخواهند بود. انس، بیش از آن که پروژه‌ای فرهنگی باشد، عادت‌سازی است. ساده‌ترین شکلش این است: خواندن کم، اما منظم. چند بیت پیش از خواب، یک حکایت کوتاه در شروع روز، یا همان دیوانی که به‌جای طاقچه، روی میز کار یا کنار کتاب‌های در حال استفاده باشد. بازخوانی مهم‌تر از تمام کردن است. البته که نقش خانواده در این مسیر حیاتی است؛ نه با اجبار و آموزش رسمی، بلکه با شنیدن و گفتن. خواندن چند بیت با صدای بلند، روایت کردن داستانی از شاهنامه، یا حتی پرسیدن «تو از این بیت چی می‌فهمی؟» کودک و نوجوان را وارد گفت‌وگوی معنایی می‌کند، نه کلاس درس. مدرسه اگر به‌جای آزمون و معناشناسی خشک، روی روایت، اجرا و گفت‌وگو تمرکز کند، می‌تواند فاصله فعلی را کمتر کند. رسانه‌ها هم با بازگویی ساده، تصویری و امروزی متون کلاسیک، نقش پل را بازی می‌کنند، نه دروازه‌بان. مسئله اصلی این است: ادبیات کلاسیک قرار نیست فقط خوانده شود، باید به کار بیاید؛ در گفت‌وگوها، در قضاوت‌ها، در لحظه‌های بحران و انتخاب. این متون زنده‌اند، اگر به آن‌ها فرصت زیستن در زندگی روزمره‌مان را بدهیم. ادبیات کلاسیک از ما آیین نمی‌خواهد؛ حضور می‌خواهد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۵۰۱۲۵۸۸ و رای اصلاحی ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۵۰۲۸۳۵۸ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسلم دهنوی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۵۵.۱۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۷ اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای حسن دهنوی محرز شده است. مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیر الانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۷۵۸۵ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶
۱۶۲۱۸۰
مجتبی لطفی پور – رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی – اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۰۰۱۲۹۱۴-۱۴۰۴۰۹۰۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم ربابه عفتی گوجه فرزند محمد ابراهیم بشماره ملی ۰۸۷۱۴۳۰۷۶۲ صادره از قوچان در یک باب خانه به مساحت ۱۲۷.۵۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۷۲ اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی نظر آباد خریداری از مالک رسمی آقای عباس قورچی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۹۵۸ شناسه ۲۰۷۶۱۷۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
۱۶۲۰۱۵
عبداله گلشن آبادی به آباد – رئیس ثبت اسناد و املاک قوچان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۶۶۰۰۰۵۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم الهام نخعی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۱۲۶۶ صادره از مشهد در ششدانگ اعیان یک باب خانه به مساحت ۱۲۵ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹۹۸ فرعی از ۲۳۵ اصلی بخش ۹ مشهد واقع در شهر طالقانی بهارستان ۷ پلاک ۱۲۰ که خود مالک رسمی میباشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۸۴۳۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶
۱۶۱۵۶۰
ابوالقاسم نظام زاده – رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۶۲۷۱۰۰۴۶۰۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم عباسعلی غفاری یوسف آباد فرزند برات بشماره شناسنامه ۱۱۹۵ صادره از قوچان در ششدانگ اعیان یکباب منزل به مساحت ۷۸/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۶۴ فرعی از ۶۹-اصلی واقع در اراضی خیر آباد خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت موقوفات محمد محسن رضوی حصه تقسیمی موسوم به میر نقیبی که عرصه متعلق به موقوفات محمد محسن رضوی حصه تقسیمی موسوم به میر نقیبی و اعیان متعلق به متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۸۲۸۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱
۱۵۹۴۸۳
امیدخیرخواه – رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۵۶۳۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم داود رجب زاده فرزند رستمعلی بشماره شناسنامه ۰۸۶۰۰۲۵۵۱۹ صادره از قوچان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰ متر مربع ،قسمتی از پلاک ثبتی ۱۰۴ – اصلی واقع در اراضی لک لک خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت بانو عالم ارفع شهیدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۸۲۸۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱
۱۵۹۴۷۴
امیدخیرخواه – رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۱۰۵۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسن انوری نیا فرزند علی به شماره شناسنامه ۷۲۱ صادره از تربت حیدریه در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۷۰۷۵ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۴۷۰۱۹۰ فرعی از پلاک شماره ۱۹۵ اصلی واقع در اراضی عباس آباد دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری و انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی آقای محمد حسن یعقوبی دول آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف و شناسه ۲۰۶۳۰۵۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
۱۵۸۹۹۷
رسید امین موسوی رئیس ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه